

بنیاد فرهنگی کهزاد

دانشگاه

واژه ئی که از طرف

علامه استاد احمد علی کهزاد

در دهه 1320 و احتمالاً پیشتر از آن
در مجله آریانا و دیگر نشرات بکار رفته است

داکتر فریار کهزاد

دسامبر 2011

دانشگاه

واژه ئی که از طرف
علامه استاد احمد علی کهزاد
در دهه 1320 در مجله آریانا و احتمالاً پیشتر از آن
در دیگر نشرات بکار رفته است

بنیاد فرهنگی کهزاد

داکتر فریار کهزاد

این سطور برای کسانی نوشته شده است که تصور میکنند واژه «دانشگاه» از ایران به افغانستان سرازیر شده است و آنرا بیگانه پنداشته و در مقابل آن تعصبات عجیب و غریب نشان میدهند و حتی آنرا نشانه ئی از تهاجم فرهنگی ایران مینامند.

من بارها تذکر داده ام که این کلمه یا واژه از طرف علامه استاد احمد علی کهزاد سالها قبل از آنکه اثری از آن در ایران و نشرات ایرانی دیده شده باشد بکار رفته است و همچنان آن شخصیت بزرگ علمی و فرهنگی آنرا برای تعویض بجای دارالعلوم به کمیسیون نامگذاری آن وقت در دهه 1330 پیشنهاد نموده بود که با تعصبات فرهنگی و زبانی رایج آنروزگار برای زبان فارسی/دری در افغانستان قبول نگردید.

از استاد کهزاد وقتی به زبان فارسی/دری صحبت مینمود هیچگاه واژه دیگری را برای این مفهوم نه شنیده ام و خوب بخاطر دارم که در دهه 1350 که من محصل دانشگاه کابل بودم، گاهگاهی وقتی خانه می آمدم از من پرسان مینمود "در دانشگاه چه خبر است؟" غیر از این کلمه دیگری را هرگز در زبان فارسی/دری از وی نشنیده ام.

اما بعضی از همیهنان ما که با تعصبات زبانی، فرهنگی، قومی و مذهبی زندگی شان را پیش میبرند وقتی من این کلمه را در نوشته ها و گفتار خود بکار میبرم آنرا بیگانه و وارداتی و از جمله واژه های تهاجمی میپندارند. حتی باور نمیکنند که علامه کهزاد

آنرا در آثار خود بکار برده باشد و یک نوع ساخته کاری و ریاکاری از طرف من میدانند.

برای آنکه برای آنهایی که همچو افکار و تصورات پوچ را در مغز خود دارند، باید بلاخره بعضی از آن نوشته ها را بصورت فوتو کاپی پیش کش نمایم تا ببینند که این کار ساخته و پرداخته من نه بلکه بصورت حقیقی و واقعی در دهه 1320 در مجله «آریانا»، نشریه علمی انجمن تاریخ افغانستان، به نشر رسیده است. ممکن آنها با دیدن این کلمات و نام ها در صفحات آن مجله علمی معتبر اصلاح شوند و افکار شان ترمیم گردد و از توطئه ها و نابرابری ها و فروش فرهنگ ما به بیگانه خود داری نمایند.

در اخیر این نوشته فوتوکاپی قسمتی از آن مقالات که این کلمه بصورت «دانشگاه» و «دانشگاهی» (یک دانشگاه) درج و ثبت شده است در اختیار شان قرار داده میشود. ضمناً اگر به این فوتو کاپی ها قناعت ندارند میتوانند آن شماره های مجله آریانا را خود پیدا نموده و ملاحظه فرمایند.

ایندو شماره مجله آریانا عبارت اند از:

1- مجله «آریانا»، اول سرطان 1324، جلد سوم، شماره ششم، شماره مسلسل 30، کابل مقاله: احمد علی کهزاد، "پروفیسر لوی ماسینیون و یک هفته اقامت او در افغانستان" ص 352 تا 365. [البته شماره آخر اشتباهی چاپ شده است] (تجدید نشر این مقاله در آینده نزدیک صورت خواهد گرفت)

2- مجله «آریانا»، اول میزان 1324، جلد سوم، شماره نهم، شماره مسلسل 33، کابل مقاله: احمد علی کهزاد، "دانشمند فرانسوی ژوزف هاکن" ص 485 تا 493. [باز هم شماره صفحه آخر اشتباهی چاپ شده است] (این مقاله قبلاً از طرف بنیاد فرهنگی کهزاد مجدداً به نشر رسیده است که در سایت وزین آریائی قابل دسترس میباشد)

به احتمال قوی که در آثار پیشتر از این تاریخ علامه کهزاد هم استعمال این واژه وجود دارد که البته تجسس و وقت بکار دارد.

محتماً ایجاد این کلمه با نام «لشکرگاه» رابطه نزدیک دارد زیرا در آن سالها علامه کهزاد با تحقیقاتی که در مورد خرابه های سیستان و قلعه بست مینمود بلاخره از لابلای اشعار استادان سخن به نام های «لشکری بازار» و «لشکرگاه» سلطان محمود و مسعود غزنوی برخورد نموده و به این ترتیب لشکرگاه کشف شد. از آنجائی که نام «لشکرگاه» با واژه «دانشگاه» هموزن و همانند میباشد و در آن سالها در آثار علامه کهزاد دیده شده بنابراین دور از حقیقت نخواهد بود که این نام را با همین وزن ساخته باشد. مگر در این مورد تجسس بیشتر بکار است.

علامه کهزاد با نام‌ها و کلمات بسیار سر و کار داشت و در اکثر تحقیقات‌اش به همچو کارها و تحلیل و تجزیه کلمات برمیخوریم که سبب روشنی بسی از مسایل تاریخی شده‌اند.

در مورد اینکه این نام برای استعمال به عوض «دارالعلوم» و «دارالفنون» به کمیسیون نام‌گذاری آن وقت در دهه 1330 از طرف علامه کهزاد پیشنهاد شده بود هیچ شک و شبه‌ئی در میان نیست. البته سند همچو پیشنهادی عجالاً در دست نیست ولی یکی از کتابهای بزرگ و قطور یادداشت‌های علامه کهزاد که در زمان خانه جنگی‌های شهر کابل در 1992 چاپ‌ول شده است و یا از بین رفته است در آن درج بود. آن کتاب حاوی یادداشت‌های شخصی، خانوادگی، فرهنگی، سیاسی، سری و بسا موضوعات دیگر بود که به قلم خود کهزاد بزرگ درج شده بود و کتابی بود که همیشه از دسترس همه دور و در الماری و صندوق مخصوصی قفل بود. اگر آن کتاب بدست آید مندرجات آن اثر خوبی از خاطرات و یادداشت‌های آن شخصیت بزرگ تشکیل خواهد داد.

/دسامبر 2011، بنیاد فرهنگی کهزاد/

مجله «آریانا»، اول میزان 1324، جلد سوم، شماره نهم،
شماره مسلسل 33، کابل

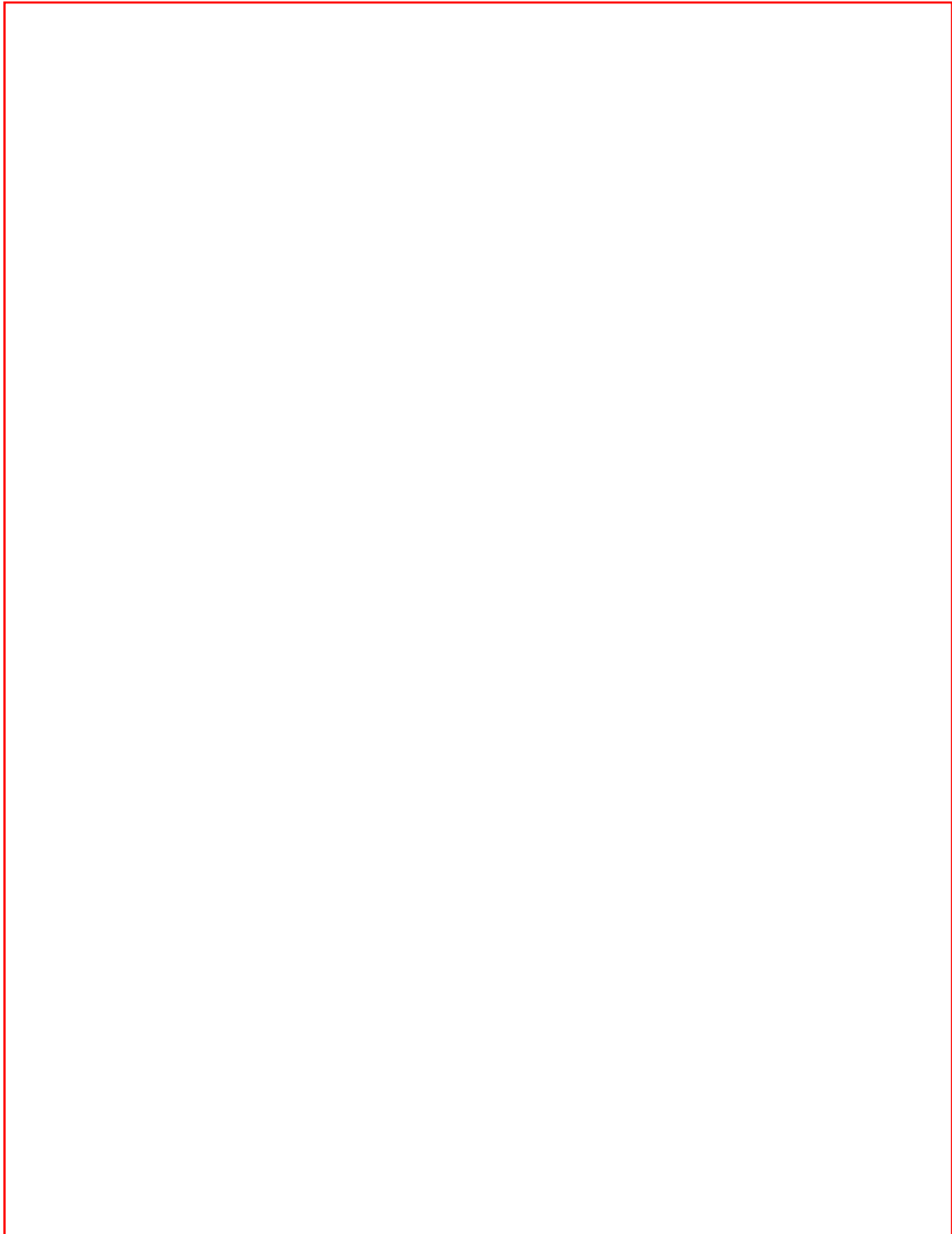
نشریه علمی انجمن تاریخ افغانستان
مؤسس: احمد علی کهزاد

دانشمند فرانسوی ژوزف هاکن

خاورشناس معروف پروفیسر ژوزف هاکن مدیر موزه کیمه،
استاد نور، مدیر هیئت اعزازی باستان شناسی فرانسه در افغانستان
به سال ۱۹۲۴ اولین تماس بپاک کشور ما حاصل نموده و از آن تاریخ
به بعد در طی (۱۸) سال همیشه مصروف بود تا در زمینه های
مختلف صنعت و تہذیب و آثار مدنیت باستانی افغانستان تحقیقات کند
چنانچه ترجمه اغلب مقالات و کتب و آثار او در مطبوعات منتشر
شده مشارالیه با اعضای هیئت خویش حتی در سال اول جنگ هم در
بگرام و بامیان مصروف کار بود. بعد از سقوط پاریس به ژنرال
دوگول و فرانسه آزاد و جنگنده ملحق شد و کمی بعد در گرداب آشوب
جهانگیر در اتراسات تاریخ و واحتراف کشتی در مجاورت سواحل
دماغه «فی نیستر» واقع در (شمال غرب آسیا) با خانم خویش بدرود حیات گفت
اینک بیاد خدمات عرفانی و تہذیبی خاورشناس بزرگ مقاله را ترجمه و نشر
میکنیم که از طرف موسسه «رونه اگروسه» مورخ بزرگ معاصر
فرانسه و معاون او در موزه کیمه در اطراف شرح حال و مآثر علمی
او تحریر و در اولین شماره بعد از جنگ «ژیو دو پاری»
«مجله پاریس» طبع شده است. «احمد علی کهزاد»

از سه سال باینطرف خوب میدانستیم که دیگر او را نخواهیم دید، معذالک پس از اینکه پاریس
آزاد شد و بتاريخ ۲۶ اوت ۱۹۴۰ قشون فرانسوی وارد شهر گردید در موقعیکه رفقای ژنرال
دوگول از زیر طاق ظفر میگذشتند با وجودیکه میدانستیم که هاکن در میان نیست باز هم چشمان
ما او را در قطار آنها تجسس میکرد. هیچکس سزاوار تر از هاکن نبود که در چنین ساعات
فرخنده در میان چنین دسته حاضر باشد. او کسی بود که رسیدن چنین ساعتی را با تمام
موجودیت خود انتظار میکشید و در راه حصول آن از جان گذشت.

ژوزف هاکن در حواشی شرقی فرانسه «در گران دوشه لوکسانبورگ» در همان
«لوکسانبورگ» که رشته های متعدد معنوی آنرا با ما بسته است متولد شده است. در اوایل
جوانی به فرانسه آمده و در اثر تحصیلات و مطالعات عمیق مرد کاملی گردید که سجایای او را
همه می شناسیم. هاکن در ۱۹۰۷ از مدرسه علوم سیاسی و در ۱۹۱۱ از دانشگاه مطالعات
عالی در شترن سانسکریت و تبتی دیپلوم گرفت. شاید در فکر سیاست و دیپلوماسی افتاده
بوده و با استعدادی که درین زمینه داشت بکروڑ بهترین نماینده علوم فرانسوی میشد ولی درین
موقع هند و مطالعات تہذیب هندی او را بخود جلب کرد و هاکن هم خود را درین زمینه
وقف نمود.



شماره نهم سال سوم

آریانا

(۱۰)

(۱۱)

دانشمند فرانسوی ژوزف هاکن

(۴۶۸)

شماره پنجم سال سوم

آریانا

(۱۲)

(۱۳)

دانشمندان فرانسوی ژوزف هاکن

(۴۹۰).

(۱۴)

آريانا

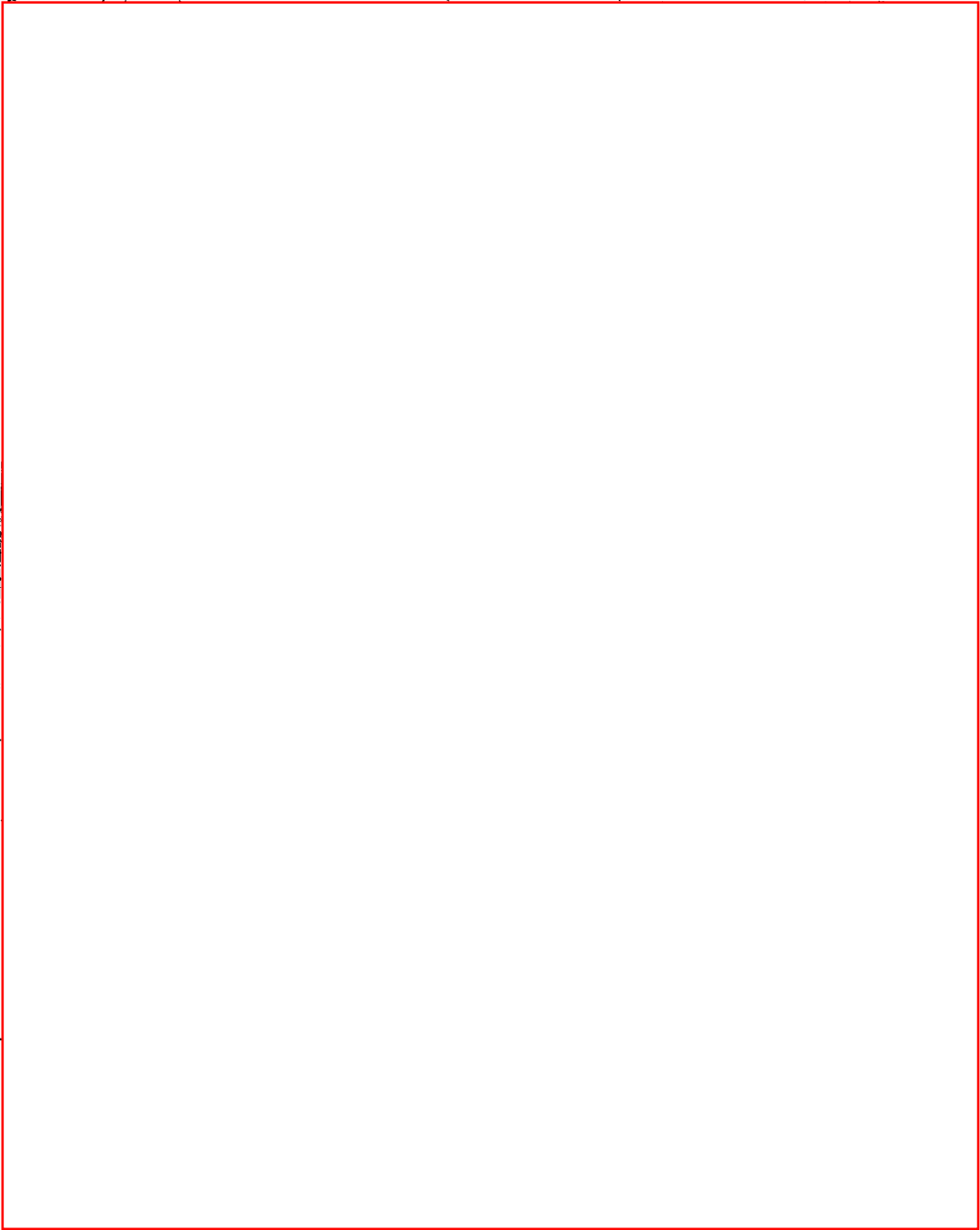
شماره نيم سال سوم



(۱۴)

(۱۵)

دانشمند فرانسوی ژوزف هاکن



(۴۹۲)

(۱۶)

آريانا

شماره نهم سال سوم



نگارش، رونه گروه

ترجمه احمدعلی کهزاد

(۴۴۳)

پروفیسر لوی ماسینیون

و

یک هفته اقامت او در افغانستان

موسیولوی ماسینیون مستشرق معروف فرانسوی که خبر ورودشان را بکا بل
بتاریخ ۱۰ جوزا (نه ونیم بجه شب) روزنامه های مرکز اطلاع دادند یکی از
علمای بزرگ معاصر فرانسه است که معرفت و تبحر مخصوص به زبان و مصطلحات
عربی و اجتماعیات و فلسفه اسلامی دارد درین دورشته از سرآمد علمای امروزی
اروپا محسوب میشود.



لوی ماسینیون بتاریخ ۱۸۸۳ تولد شده

و ۶۱ سال عمر دارد. مشارالیه (داکتراس لمر)

یعنی داکتر ادبیات است در کولژ دو فرانس

دانشگاهی که ۴۱۵ سال از عمر آن میگردد

و دروس آن مکملہ تعلیمات عالی بشمار میرود

پروفیسر است و اجتماعیات اسلامی درس میدهد

هکذا در دارالعلوم سوربن که مخصوصاً از نقطه نظر

الهیات و مطالعات اجتماعی و فلسفی و دینی و خاورشناس معروف فرانسوی

قدیم ترین و مهمترین کانون اروپا میباشد سمست معلمی دارد و مدرس مصطلحات

عربی و فلسفی میباشد

پروفیسر ماسینیون از نزد استاد خود موسیو-سیلون لوی بزرگترین متخصص

زبان و ادبیات سانکریت زبان سانکریت هم خوانده ولی تقریباً از ۳۰ سال

باینطرف بیشتر به زبان و ادبیات و مصطلحات عربی و فلسفه و اجتماعیات و شعب

و مذاهب اسلامی متوجه شده و درین قسمت ها تبحر حاصل کرده است.

توجه و تعمق در ماخذ و نسخ قدیم علمی و اجتماعی و ادبی عربی و اسلامی که متضمن

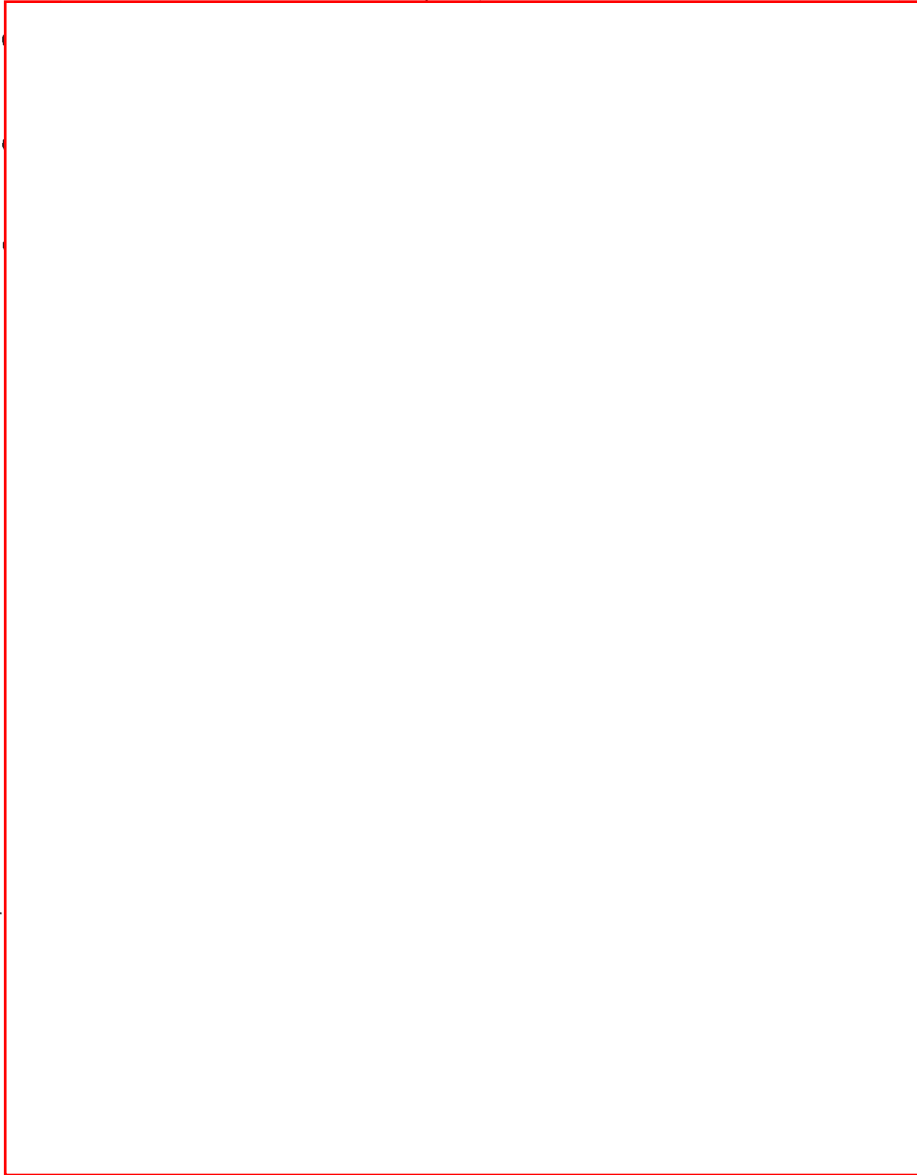


(۵۹)

پروفیسر آوی ماسینیون



(۳۵۴)



گردید. کنفرانس خیلی طرف دلچسپی حصار واقع شده و اختتام آن با کف
زدن های زیاد بدرقه گردید. پروفیسر ماسینیون قبل از حرکت از کتابد از طرف
پستو توانه عضو افتخاری پذیرفته شد.

«احمد علی گهزاد»